

Citizenship Education and its Impact on Lifestyle From the Perspective of Shahid Motahari

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Aurhors

Mohammad Ahmadipour ¹,
Mohsen Imani Naeini ^{2*},
Ali Mohebbi ³

How to cite this article

Mohammad Ahmadipour, Mohsen Imani Naeini, Ali Mohebbi, Citizenship Education and its Impact on Lifestyle From the Perspective of Shahid Motahari, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2019;3(4):82-89.

1. PhD student in Philosophy of Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Curriculum Planning, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: imanim2@gmail.com

Article History

Received: 2019/08/11
Accepted: 2019/10/07
ePublished: 2019/09/22

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study was to investigate citizenship education and its impact on lifestyle from the perspective of Shahid Motahari.

Materials and Methods: The method of the present study is applied in terms of purpose and qualitative in terms of descriptive-analytical method in terms of data collection. The statistical population in this study included first-hand sources such as all studies and writings of Shahid Motahari in relation to citizenship education or related components and philosophical foundations to understand the thoughts and ideas of Shahid Motahari. There were also second-hand sources such as books, dissertations, articles and documents related to the research topic. Census method was used for sampling. Documentary method was used to collect the necessary information and data. In order to analyze the data, theoretical inference method and transcendental logical analysis, comparative method and critical method were used.

Findings: The findings showed that the educational principles in the model of citizenship education from the perspective of Shahid Motahari are: sense of dignity, sense of truth-seeking, collective conscience and God-seeking.

Conclusion: The results showed that Shahid Motahari generalizes values to all aspects of citizenship education and considers human perfection in acquiring moral virtues and avoiding vices that originate from human nature. Therefore, the education of citizenship considered by Shahid Motahari considers human perfection as nearness to God and in this way attaches great importance to self-purification and cultivation.

Keywords: Citizenship Education, Ontology, Epistemology, Shahid Motahari

تربیت شهروندی و تأثیر آن بر سبک زندگی از

دیدگاه شهید مطهری

محمد احمدی پور^۱

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محسن ایمانی نایینی^{۲*}

دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

علی محبی^۳

دانشیار، گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی تربیت شهروندی و تأثیر آن بر سبک زندگی از دیدگاه شهید مطهری بود.

مواد و روش ها: روش پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از منظر جمع آوری داده ها کیفی از روش توصیفی-تحلیلی می باشد. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش شامل منابع دست اول از قبیل کلیه مطالعات و نوشته های شهید مطهری در ارتباط با تربیت شهروندی یا مولفه های مرتبط با آن و مبانی فلسفی جهت پی بردن به افکار و عقاید شهید مطهری بود. همینطور منابع دست دوم از قبیل کتب، پایان نامه ها، مقالات و مستندات مرتبط با موضوع پژوهش بود. جهت نمونه گیری از روش سرشماری استفاده شد. به منظور جمع آوری اطلاعات و داده های لازم از روش اسنادی استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش استنتاج نظری و تحلیل منطقی فرارونده، روش تطبیقی و روش انتقادی استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد مبانی تربیتی در الگوی تربیت شهروندی از منظر شهید مطهری عبارتند از: حس کرامت، حس حقیقت جویی، وجدان جمعی و خداخواهی. همچنین نتایج پژوهش نشان داد شهید مطهری ارزش ها را به همه جنبه های تعلیم و تربیت شهروندی تعمیم می دهد و کمال انسان را در کسب فضایل اخلاقی و دوری از رذایل می داند که نشأت گرفته از فطرت انسان است.

نتیجه گیری: تربیت شهروندی مدنظر شهید مطهری کمال انسان را قرب الهی دانسته و در این راه به تهذیب و تزکیه نفس اهمیت زیادی می دهد.

کلمات کلیدی: تربیت شهروندی، هستی شناسی، معرفت شناسی، شهید مطهری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵

*نویسنده مسئول: imanimo2@gmail.com

مقدمه

زندگی اجتماعی انسان پیامدهای گوناگونی داشته است. شهروندی، در زمره همین پیامدها است. انسان به تناسب نیازها و گرایش های خود ناگزیر به ارتباط با اصناف، گروه ها و افراد مختلفی است که این روابط به دلیل پیچیدگی شخصیت و ماهیت اجتماعی و فردی انسان، برای او مسائلی را به وجود می آورد که باید بتواند بهترین شیوه برای برخورد با این مسائل را بیابد و به آن عمل کند. تربیت شهروندی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی و فرهنگی انسان در جامعه امروز است، بر این اساس این مؤلفه از مباحث اساسی جامعه شهری در هر دوره تاریخی از زندگی انسان می باشد.

با توجه به اینکه هر جامعه ای با عنایت به زمینه های فرهنگی و ارزشی خود شهروندان خاص با خصوصیات ویژه پرورش می دهد و این امر ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه هر کشوری می باشد؛ باید آموزش های شهروندی حساب شده ای را برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظر گرفت که می توان آن را از رسمی ترین نظام آموزش کشور یعنی آموزش و پرورش آغاز کرد. آموزش و تربیت شهروندی سرمایه گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است، برای اینکه شهروندان جامعه را به حقوق شهروندی خود آشنا کنیم و از شهروندان جامعه این انتظار را داشته باشیم که متعهد و مسئول باشند، از همان دوران کودکی مشارکت کردن در زمینه های مختلف را ترویج دهیم و یا به طور کلی در هر جامعه ای ارزش ها، طرز تلقی ها، بینش ها و مهارت ها به همراه الگوها و روش های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را به شکل ویژه ای منتقل کنیم، پس نیازمند آموزش و تربیت شهروندی می باشیم (۱). در این میان تربیت شهروندی همچون یکی از ابعاد تربیت، از قدیم الایام تا به امروز مورد توجه فیلسوفان و اندیشمندان واقع شده است؛ اهمیت این ساحت به نحوی است که هرگونه غفلت از آن در امر تعلیم و تربیت ضمن اینکه نیل به غایات تربیتی را با مشکل مواجه می کند، زبان های جبران ناپذیری را نیز بر گستره جامعه وارد می نماید؛ زیرا رشد و توسعه جامعه مستلزم وجود شهروندان پرورش یافته است (۲).

تربیت شهروندی از زمینه هایی است که در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه ای برخوردار شده و دامنه مباحث و پژوهش های آن به طور فزاینده ای گسترش یافته است (۳). مفهوم تربیت شهروندی ابتدا برای ایجاد روح انسجام در میان مردم جامعه در علوم اجتماعی مطرح شد. بعد از آن به عنوان نظام حکومتی دموکراسی به عنوان روش حکومت مردم بر مردم وارد نظام سیاسی شد و سومین حضور این مفهوم در عرصه تعلیم و تربیت بوده است (۴).

باید خاطر نشان کرد که مفهوم تربیت شهروندی یک مفهوم متذکر می باشد که مفاهیم اخلاقی، زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در برمی گیرد و در آن از مباحثی همچون مردم سالاری، حقوق، مسئولیت پذیری، تحمل، بردباری، احترام، برابری، تنوع و حق سخن بر میان می آید. تربیت شهروندی در اساس با برخی از مفاهیم و ابعاد دیگر مرتبط است که این مفاهیم عبارتند از: تعلیم و تربیت مدنی، تعلیم و تربیت اخلاقی، مهارت های زندگی و تعلیم و تربیت حقوق انسانی (۵).

در سیر تاریخی مباحث شهروندی، حداقل، از لحاظ چارچوب مفهومی، باید بزرگ ترین سهم را به ادیان الهی از جمله دین اسلام داد (۶). از آنجاکه تدبیر جامعه و حفظ استمرار امنیت و پویایی آن از مهم ترین مسائل حیاتی انسان است، همواره این امر سرلوحه اندیشه و برنامه پیامبران، امامان، صالحان و اندیشمندان فیلسوفان مسلمان بوده است، همچنان که بسیاری از دانشمندان مسلمان نیز از گذشته تاکنون در پی ارائه الگوهای تربیت شهروندی بوده اند که به پرورش توانمندی افراد در مشارکت، بازسازی یا پیشبرد امور سیاسی _ اجتماعی منجر شود (۷). بر این

رسیدن به عدالت اجتماعی به اندازه کافی انتقادی و چالش برانگیز باشد (۱۰).

تاروگ^۲ در پژوهش خود با عنوان "آموزش شهروندی: پرورش استعداد انتقادی برای انجام ارزش‌های جهانی در سطح ملی"، مطرح می‌سازد که آموزش و پرورش به برنامه‌ای نیاز دارد که به آموزگاران آموزش می‌دهد تا چگونه از طریق گفتگو در کلاس درس حمایت و تقویت یک فرهنگ انتقادی را ایجاد کنند و شهروندی را تربیت کنند که توانایی استفاده از تخیل و تفکر انتقادی خود را برای همکاری در یک جامعه چند فرهنگی داشته باشد (۱۱).

با نگاهی اجمالی به ساختار تعلیم و تربیت کشور و پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تربیت شهروندی می‌توان گفت، در جامعه ایران به‌طور اعم و در نظام تعلیم و تربیت به‌طور اخص، آن‌طور که باید و شاید مبحث تربیت شهروندی، مورد توجه قرار نگرفته است و زمان آن رسیده که به مبانی تربیت شهروندی توجه ویژه شود (۱۲)؛ بنابراین با توجه به مطالب ارائه‌شده، اهمیت و ضرورت تربیت شهروندی و تأثیر آن بر سبک زندگی مشهود است. لذا هدف از پژوهش حاضر، تربیت شهروندی و تأثیر آن بر سبک زندگی از دیدگاه شهید مطهری است.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از منظر جمع آوری داده‌ها کیفی از روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش شامل منابع دست اول از قبیل کلیه مطالعات و نوشته‌های شهید مطهری در ارتباط با تربیت شهروندی یا مولفه‌های مرتبط با آن و مبانی فلسفی جهت پی بردن به افکار و عقاید شهید مطهری بود. همین‌طور منابع دست دوم از قبیل کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات و مستندات مرتبط با موضوع پژوهش بود. جهت نمونه‌گیری از روش سرشماری استفاده شد. در این پژوهش به منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های لازم از روش اسنادی استفاده شد. در این روش از طریق ابزار فیش برداری از کتاب‌ها، مقالات، پژوهش‌ها و اسناد و مدارک که به نحوی با ماهیت این تحقیق ارتباط دارند، استفاده شد. از این رو، ابتدا منابع مرتبط اعم از منابع دست اول و دست دوم اعم از پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط شناسایی، سپس متن خوانی، فیش برداری و استخراج مطالب مورد نظر آغاز و همزمان با فرایند جمع‌آوری اطلاعات کار طبقه‌بندی و کدگذاری نیز انجام شد. در آخر به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش استنتاج نظری و تحلیل منطقی فرارونده، روش تطبیقی و روش انتقادی استفاده شد.

اساس در برخی کشورهای جهان اسلام از جمله ایران، دین را به عنوان تعیین‌کننده نهایی سرنوشت دنیوی و اخروی بشر فرض نموده‌اند، از این رو، در این کشورها، تربیت شهروندی نیز بر اساس مبانی دینی تدوین شده‌اند. مسئله اینجاست که در مسیر گذار به مدرنیته مفهوم تربیت شهروندی دچار تحولاتی شده است. به طوری که دنیای اسلام در رویارویی با این مفهوم دچار چالش‌های متعددی گردیده است:

نخست اینکه، افرادی بر این باورند که ادیان از گذشته به ظهور رسیده‌اند و ناظر به سنت هستند و شهروندی ناظر به نیازها و شرایط اجتماعی و سیاسی زمان حال است، در نتیجه، دین کارایی خود را در عرصه مناسبات اجتماعی از دست می‌دهد.

دوم اینکه، شهروندی و تربیت شهروندی به عنوان پدیده‌ای وابسته به فرهنگ، محصول لیبرالیسم است که با آن پیوندی محکم دارد و چون تربیت شهروندی با لیبرالیسم همزادند و تربیت شهروندی یا جامعه مدنی امری مطرود است، بنابراین، مفروضات اساسی شهروندی در دوره مدرنیته در تعارض با دین قرار می‌گیرند؛ این مسئله می‌تواند منجر به سردرگمی متولیان امر سیاست، تعلیم و تربیت، فرهنگ و اقتصاد، در تدوین قوانین و سیاست‌گذاری برای عرصه مناسبات اجتماعی منجر گردد، بنابراین، دنبال کردن راهی که بتواند در حل این تعارضات راهگشا و چاره‌ساز باشد، امری اجتناب‌ناپذیر است (۸).

با توجه به اینکه در خصوص تربیت شهروندی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و هر دیدگاه از منظر خود به این موضوع می‌نگرد، تضادها و تفاوت‌هایی در مباحث تربیت شهروندی و توصیف و تبیین آن‌ها وجود دارد از جمله این دیدگاه‌ها، دیدگاه استاد مطهری در خصوص تربیت شهروندی می‌باشد.

با توجه به این که استاد مطهری در بیانات خود به‌طور مستقیم به مفهوم تربیت شهروندی اشاره نکرده‌اند، برای فهم تربیت شهروندی از منظر آیت‌الله مطهری، نیازمند شناخت اندیشه‌های ایشان هستیم. به بیان دیگر در صورت فهم و درک درست اندیشه‌های ایشان، مفهوم تربیت شهروندی و ابعاد آن نیز از منظر این استاد بزرگ دقیق‌تر مشخص می‌شود. برای فهم ابعاد تربیت شهروندی از دیدگاه شهید مطهری، نیازمند شناختی از شاخه‌های بنیادین فلسفه او هستیم؛ این مبانی فلسفی شامل، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی می‌باشد (۹).

۱. شهروند پرورش‌یافته مکتب الهی از منظر شهید مطهری، هستی را دارای هماهنگی و هدف از پیش مشخص، می‌داند و این امر نقطه مقابل فلسفه کانتی و دکارتی است که هستی را فاقد هدف از پیش تعیین‌شده می‌دانند

۲. راه‌های شناخت در فلسفه اسلامی در چند مقوله خلاصه می‌شود که شهروند مورد نظر با جهان هستی ارتباط برقرار می‌کند و در جهت رستگاری ابدی بکار می‌گیرد. بر اساس نظریه معروف افلاطون در باب شناخت، همه انسان‌ها با حقائق امور آشنا بوده‌اند و شناخت و تعلیم و تعلم در حقیقت یادآوری محفوظات گذشته است (۹).

۳. شهید مطهری معتقد است: هر کار اختیاری انسان در جهت یک هدف است. انسان برای هدفی که دنبال می‌کند اهمیت وارد قائل است؛ حال می‌خواهد مادی باشد یا معنوی، یعنی آن هدف جاذبه‌ای برای طبیعت انسان دارد.

سواً و همکاران پژوهشی تحت عنوان "آموزش شهروندی جهانی" انجام داده است بر اساس نتایج در خصوص شهروند جهانی می‌توان گفت: آنچه به معنای شهروندی در یک فضای جهانی است به سرعت در حال تغییر است، آموزش و پرورش برای آموزش شهروندی جهانی مشتاق است تا جوانان را ارتقاء دهد و این موضوع را مطرح می‌سازد که چگونه این فرایند می‌تواند برای

² Twarog

¹ Su

یافته ها

هرجهان بینی و ایدئولوژی از جمله اسلام بر پایه مبانی، ابعاد فلسفی و نگارشی خاص خود می باشد که پیروان آن در راستای قوانین این مکاتب عمل می کنند. برای فهم ابعاد تربیت شهروندی از دیدگاه شهید مطهری، نیازمند شناختی از شاکله های بنیادین فلسفه او هستیم؛ این مبانی فلسفی شامل، هستی شناسی، معرفت شناسی و ارزش-شناسی می باشد. به بیان دیگر در صورت فهم و درک درست این مبانی، مفهوم تربیت شهروندی و ابعاد آن نیز، دقیق تر مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

هستی شناسی

مکاتب مختلف برای توصیف و تبیین جهان و پدیده های هستی تحلیل و تفسیری از پدیده ها و جهان هستی دارند. مکتب اسلام که شالوده تفکر شهید مطهری از آن نشأت گرفته است، یگانه پرستی را به عنوان عالیترین و دورترین هدف ها مد نظر قرار داده است. یعنی پرستش و توجه و تمرکز بر روی یک هدف والای توحیدی است، که همانا پرستش خداوند بنیاد آن است. از منظر شهید مطهری اسلام به شهروندی می آموزد که «انسان جزئی از جهان هستی است و او با تمام اجزای آن متفاوت می باشد و برای شناخت جهان هستی نیاز به تفسیر و تعقل می باشد. انسان ناشناخته ترین موجود جهان است که خودش عامل شناخت اشیاء دیگر است و اشیاء بسیار دور از خود را شناخته است. اما در مورد نزدیکترین موجود به خودش (خود انسان) مجهولات زیادی دارد».

شهروند پرورش یافته مکتب الهی از منظر شهید مطهری، هستی را دارای هماهنگی و هدف از پیش مشخص، می-داند و این امر نقطه مقابل فلسفه کانتی و دکارتی است که هستی را فاقد هدف از پیش تعیین شده می داند. بنابراین، در دیدگاه اسلام جهان آفرینش آیت و نشانه خداوند است. خداوند هم مبدأ و هم مقصد هستی است و همه پدیده های هستی در حال حرکت و تکامل و تجلی صفات الهی هستند. اسلام شهروند را بصوت فعال در نظر می گیرد که جهت رسیدن به اهداف باید تلاش کند. هستی کلیتی جامع دارد و اجزای آن هم مشخص است و انسان برترین مخلوق خداوند و خلیفه او بر روی زمین است.

معرفت شناسی

راه های شناخت در فلسفه اسلامی در چند مقوله خلاصه می شود که شهروند مورد نظر با جهان هستی ارتباط برقرار می کند و در جهت رستگاری ابدی بکار می گیرد. «بر اساس نظریه معروف افلاطون در باب شناخت، همه انسانها با حقائق امور آشنا بوده اند و شناخت و تعلیم و تعلم در حقیقت یادآوری محفوظات گذشته است. اما از آیات کریمه قرآن مخصوصاً آیه «وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُم مِّنْ بُطُوْنِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصَارَ وَ الْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ» (نحل/۷۸) برمی آید که چنین نبوده است، بلکه انسان در ابتدای تولد فاقد هرگونه شناخت است و خداوند به او حواسی را عنایت کرده است تا جهان را مطالعه و بررسی کند و به او ضمیر و قوه تجزیه و تحلیل داده که در آنچه از راه حواس به دست می آورد تعمق کند؛ از ظواهر، گذشته به درون اشیاء و قوانین حاکم بر آنها راه یابد. قرآن همچنین، تزکیه و تصفیه نفس و تقوا و پاکی را نیز وسیله ای برای شناخت می داند. بنابر این می توان گفت ابزارهای شناخت از دیدگاه قرآن عبارتند از: ۱. حواس ۲. قوه تفکر و استدلال ۳. تزکیه و تصفیه نفس ۴. مطالعه آثار علمی دیگران.

ارزش شناسی

شهید مطهری معتقد است: «هر کار اختیاری انسان در جهت یک هدف است. انسان برای هدفی که دنبال می کند اهمیت و ارجح قائل

است؛ حال می خواهد مادی باشد یا معنوی، یعنی آن هدف جاذبه ای برای طبیعت انسان دارد. درغیر این صورت، و الا محال است که چیزی برای انسان جاذبه نداشته باشد و انسان دنبال آن برود و تلاش کند که به آن برسد. محال است که از انسان عبث مطلق و لغو و بیهوده مطلق سر بزند. هر کاری که ما عبث می نامیم از نظر مبدأ فکری و عقلانی عبث است ولی از نظر مبدأ دیگری که فعل از آن ناحیه صادر می شود عبث نیست و به واسطه آن مثلاً قوه خیال که محرک است؛ به هدفی می رسد. قوه خیال به هدف خود می رسد ولی قوه عاقله به هدفی نمیرسد».

مبانی اندیشه اجتماعی استاد مطهری

شهید مطهری از متفکرانی است که با روش خاص با پیروی از نظریه و الگوی روشن به بررسی مسائل مهم اجتماعی پرداخته است. اگر از تفاوت های جزئی میان متفکران مسلمان در زمینه مسائل اجتماعی بگذریم، می توانیم مبانی مشترکی بین ایشان بیابیم که این اشتراکات ناشی از اعتقاد به قرآن کریم، روایات و فرهنگ غنی اسلام و بهره گیری از عقل و استدلال است. مبانی اصلی اندیشه اجتماعی شهید مطهری در تربیت شهروندی عبارتند از:

جامعه به مثابه موجود زنده

این فرضیه در آثار شهید مطهری وجود دارد که جامعه مانند هر موجود زنده از واقعیت و حیات واقعی برخوردار است. «قرآن برای جامعه ها سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است. بدیهی است که «امت» اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد و قرآن همان طور که برای فرد حیات و موت قائل است واقعاً برای جامعه حیاتی و موتی و روحی قائل است».

تحقق شخصیت فرد در جامعه و شخصیت جامعه در فرد

امروزه در دنیا گروهی از دانشمندان از دموکراسی، براساس اصالت فرد و حقوق و آزادی فردی، سخنی می گویند و برعکس گروهی دیگر به سوسیالیسم، بر اساس اصالت جمع و تقدم حق جمع بر حق فرد، اعتقاد دارند. «اما شق سومی هم در کار است و آن این که نه فرد مستهملک در جامعه است و نه جمع فاقد اصالت و دارای وجود اعتباری است، بلکه ترکیب فرد و جامعه نوعی است که در آن فرد اصالت و شخصیت دارد در عین این که جمع هم اصالت و شخصیت دارد و تحقق شخصیت فرد در جامعه و تحقق شخصیت جامعه در فرد صورت می گیرد».

اصل حیات اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است و حیات اجتماعی نیز یک واقعیت ملموس است. «انسان زندگی اجتماعی دارد، یعنی باید در اجتماع زندگانی بکند و آلا منقرض می شود. زندگی انسان اجتماعی است و به این معناست که «ماهیت اجتماعی دارد از طرفی نیازها، بهره ها و برخورداری ها، کارها و فعالیت ها، ماهیت اجتماعی دارد. و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره ها و تقسیم رفع نیازمندی ها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست... و حیات جمعی صرفاً یک تشبیه و تمثیل نیست، بلکه یک حقیقت است همچنان که مرگ جمعی نیز یک حقیقت است».

اصل همبستگی و پیوستگی و تجزیه ناپذیری

اصولاً هیچ حادثه ای در جهان هستی «منفرد» و «مستقل» از سایر حوادث نیست، بلکه همه قسمت های جهان با یکدیگر متصل و مرتبطند و این اتصال و ارتباط همه اجزای جهان را شامل می گردد و یک پیوستگی عمومی و همه جانبه را به وجود می آورد. این اصل در حکمت الهی مفهوم جدی تری پیدا می کند به نام مفهوم «تجزیه ناپذیری و بهم پیوستگی اجزای جهان، یکی از مسائل

موجودی فاسد و منحرف خواهد شد. بنابراین فطرت را باید خمیر مایه ای برای آغاز حرکت انسان دانست. انسان آن چیزی نیست که آفریده شده است، بلکه آن چیزی است که خودش بخواد باشد، آن چیزی است که مجموع عوامل تربیتی و از آن جمله اراده و انتخاب خودش او را می سازد. همچنین باید توجه داشت که انسان در این مسیر تکامل باید از برخی منافع و نیازهای حیوانی خود چشم ببوشد و نمی تواند همچون سایر موجودات، بر اساس شهوات و منافع موقت و ظاهری اقدام کند و انتظار انسان شدن را داشته باشد.

فطری بودن مفاهیم و اصول به دو شکل کلی قابل تفسیر است: یکی آن که برخی تصورات یا تصدیقات در ذهن انسان از قبل از تولد یا بعد از تولد بالفعل موجود است. معنای دیگر، آن است که خود این تصورات و تصدیقات بالفعل در ذهن موجود نیست، ولی استعدادی در انسان هست که پس از برخورد با مصادیق این تصورات و تصدیقات، آنها را می شناسد و تأیید می کند.

آرای تربیتی شهید مطهری در زمینه مبانی معرفت شناسی

از نظر شهید مطهری شهروند تربیت یافته باید با جهان هستی ارتباط برقرار کند و در جهت رستگاری ابدی بکار گیرد. او معتقد است «انسان در ابتدای تولد فاقد هرگونه شناخت است و خداوند به او حواسی را عنایت کرده است تا جهان را مطالعه و بررسی کند و به او ضمیر و قوه تجزیه و تحلیل داده که در آنچه از راه حواس به دست می آورد تعمق کند؛ از ظواهر، گذشته به درون اشیاء و قوانین حاکم بر آنها راه یابد». بنابر این می توان گفت انسان برای شناخت جهان هستی ابزارهایی مانند: حواس و قوه تفکر و استدلال را در اختیار دارد.

در معرفت شناسی شهید مطهری هر یک از ابزارهای شناخت، قلمرو خاصی دارند که خارج از آن قلمرو نمی توان شناخت درستی داشت. شهید مطهری معتقد بود شناخت حسی جزئی، ظاهری، حالی و منطقی است یعنی شدیداً توسط قیود و حدود زمانی و مکانی محدود می شود. اما شناخت عقلی محدودیت های حس را ندارد و می تواند محسوسات را تعمیم دهد و بر عمق آنها نیز بیفزاید؛ با این حال عقل نیز محدود به منافع و ابزارهای خود است. به عبارت دیگر لازم است که مقدمات و اطلاعاتی توسط حواس به عقل ارائه شود تا او بتواند از آنها استفاده و فراوری کند. شهید مطهری علاوه بر شناخت حسی و عقلی شناخت قلبی را نیز مطرح ساخته است و معتقد است شناخت قلبی گرچه مافوق سایر ابزارها سیر می کند اما به همان نسبت از سطح نازل و ملموس محسوسات، دور است. مثال این که بخواهیم با قلب و دل به محسوسات پی ببریم مانند کسی است که بخواهد با یک هواپیما، مورچه ای را از چند قدمی خانه اش بردارد و به منزل برساند!

از آنچه بیان شد می توان به این نتیجه رسید که شهید مطهری برای تربیت شهروندی تکیه بر یکی از ابزارهای شناخت را مورد تأکید قرار نداده اند بلکه با تفکیک حوزه های معرفتی بر حسب موضوع، آیات و شواهدی مطرح می کنند که ثابت می کند قرآن کریم ادراک حسی را در زمینه های خاصی معتبر می داند، استدلال عقلی را در عرصه هایی و درک قلبی و تجلی معنوی را نیز در جایگاهی؛ و هیچ یک از این سه نباید در عرصه و حوزه دیگری دخالت کنند. بنابراین نگاه شهید مطهری به ابزار شناخت جامع، هماهنگ و به هم پیوسته است.

مقایسه آرای تربیتی شهید مطهری در زمینه مبانی ارزش شناسی

در دیدگاه شهید مطهری، بین هیچ گروهی از انسان ها (زنان، مردان، قومیت ها، نژادها و ...) تفاوتی وجود ندارد تا بتوان بر اساس آن این حق را از آنان سلب کرد. طبق این نظریه هرگونه

مهم در جهان بینی های فلسفی و علمی این است که جهان از لحاظ ارتباط و پیوستگی اجزا، چگونه است. همین قدر می توانیم بگوییم که همه کسانی که از رابطه همبستگی و پیوستگی اجزای جهان سخن گفته اند در یک سطح سخن نگفته اند. آنچه منظور ماست از این اصل: «این است که جهان یک واحد تجزیه ناپذیر است، یعنی رابطه اجزای جهان به این شکل نیست که بتوان فرض کرد که قسمت هایی از آن قابل حذف و قسمت هایی قابل ابقا باشد، حذف بعضی مستلزم بلکه عین حذف همه اجزاست، همچنان که ابقای بعضی عین ابقای همه است.»

اجتماعی شدن و توجه خاص به نظریه فطرت

همه متفکران مسلمان که در زمینه اجتماعیات، اندیشه کرده اند نظریه غالب آنها درباره اجتماعی شدن انسان، نظریه فطرت است، زیرا این نظریه تبیین کننده چگونگی اجتماعی شدن انسان و نیاز به حیات اجتماعی و رشد و بقای آن است، و تنها نظریه شهید مطهری است که در همه مباحث علمی و فکری ایشان حکم کلید راهنما را داشته نظریه فطرت است که با بیان آن به نقد دیگر نظریات می پردازد و ضمناً بر سراسر اندیشه استاد مطهری، خصوصاً در اجتماعیات وی، حاکمیت دارد. از این رو بحث فطرت، اساس نظریات استاد مطهری در زمینه انسان شناسی، جامعه شناسی، تاریخ تمدن، معرفت شناسی و فلسفه تاریخ و... است.

«اصل فطرت، اصلی است که در معارف اسلامی «ام المسائل» شمرده می شود و بنابر اصل فطرت روان شناسی انسان بر جامعه شناسی آن تقدم دارد. جامعه شناسی انسان از روان شناسی وی مایه می گیرد.» انسان تحت تأثیر عوامل بیرونی، شخصیت فطری خود را پرورش می دهد و به کمال می رساند و یا گاهی آن را مسخ و منحرف می نماید. «شخصیت انسانی انسان به همان فطرت های انسانی اوست و اگر ما به فطرت قائل نباشیم مسخ، معنا ندارد، یعنی تا ما برای انسان یک واقعیتی، یک فطرتی، یک ماهیتی قائل نباشیم نمی توانیم قائل به از خود بیگانگی انسان شویم.»

بررسی آرای تربیتی شهید مطهری در زمینه مبانی هستی شناسی

شهید مطهری جهان هستی را از طریق حواس پنج گانه و عقل می دانست و معتقد بود تجربه حسی پایه شناخت جهان هستی است. شناختی که از جهان شکل می گیرد ریشه در تجربه انسان دارد بنابراین هر دو فیلسوف اعتقاد داشتند که ابتدا باید تجربه به عنوان ریشه تمام شناخت علمی و فلسفی در نظر گرفته شود. یعنی ذهن انسان از طریق حواس پنج گانه مسائل مختلف از ساده تا پیچیده را دریافت می کند و سپس در ذهن به دانش تبدیل می شوند.

نگاه شهید مطهری به جهان هستی از نوع رئالیسم معنوی بود و توجه خاصی به بعد ماورای طبیعت و متافیزیک داشت. شهید مطهری یگانه پرستی را به عنوان عالی ترین هدف در تربیت شهروندی می دانست و تمرکز را بر هدف والای توحیدی قرار داده بود. از منظر شهید مطهری اسلام به شهروندی می آموزد که «انسان جزئی از جهان هستی است ولی تمام اجزای آن تفاوت دارد و برای شناخت جهان هستی نیاز به تفسیر و تعقل می باشد.» بنابراین، در دیدگاه شهید مطهری خداوند هم مبدأ و هم مقصد هستی است و همه پدیده های هستی در حال حرکت و تکامل و تجلی صفات الهی هستند.

آرای تربیتی شهید مطهری در زمینه مبانی انسان شناسی

شهید مطهری معتقد بود که انسان قادر است محیط پیرامون خود را بشناسد و با ابزاری همچون حس و عقل و تجربه جهان هستی را بشناسد. او معتقد بود نوزاد انسان با فطرت انسانی متولد می شود و بر اساس رشد و تربیت مناسب زمینه انسان کامل شدن را دارد و در صورت عدم توجه و پی گیری استعداد های انسانی، تبدیل به

فکری شهروندان، گسترش تفکر نقادانه و باارزش تلقی کردن خرد جمعی را گسترش داد.

الگوی مناسب در رابطه با تربیت شهروندی باتوجه به نظریات شهید مطهری برای آموزش و پرورش ایران

برای ارائه الگوی مناسب تربیت شهروندی توجه به مبانی فلسفی جامعه هدف بسیار اهمیت دارد و توجه به سیستم آموزش و پرورش آن کشور و مبنای فلسفی حاکم بر آن در تدوین خطمشی-ها و تدوین اهداف، اصول و روش‌های تربیتی، نقش سازنده و اساسی دارد. بر این اساس شهید مطهری، آموزش و پرورش را دارای چهار پایه یا عامل اساسی می‌داند که هم از آنها اثر می‌پذیرد و هم در آنها اثر می‌گذارد، این چهار پایه... عبارتند از: مبانی روان‌شناسی، مبانی اجتماعی، مبانی فلسفی و مبانی اجتماعی، بر این اساس، مبانی تربیتی در الگوی تربیت شهروندی شهید مطهری عبارتند از: حس کرامت، حس حقیقت‌جویی، وجدان جمعی و خداخواهی.

اهداف تربیتی الگوی شهروندی

انسان و حس کرامت: شهید مطهری، حس کرامت را پایه، محور و توجیه‌کننده ارزش‌های اخلاقی می‌شناسد. و بر این باور است که (شرافت) و (کرامت) ذات انسان است و ناگاهانه آن کرامت را احساس می‌کند...

تحقق حس حقیقت‌جویی: حس حقیقت‌جویی یکی دیگر از خواسته‌های فطری و پایه‌های بنای تکامل و رشد شخصیت انسان است. شهید مطهری، این حس را منشأ پیدایش علم و فلسفه می‌شناسد. انسان با مطالعه طبیعت که مورد سفارش قرآن است به اداره هستی و طبیعت از سوی نیروهای مافوق طبیعت ایمان پیدا می‌کند.

دستیابی به وجدان عمومی: شهید مطهری وجدان عمومی را یکی از مبانی اخلاقی و تربیتی اسلام می‌داند که نه تنها در قالب انسان دوستی که در قالب دوستی اشیاء ظهور پیدا می‌کند. از نگاه شهید مطهری انسان، موجودی دارای مراتب است، در درجه عالی خود بالاتر از فرشته است و با دیگران تزاومی ندارد، ولی در درجات دانی و طبیعی خود به حکم تزاومی که در طبیعت هست هر (منی) به بقاء خود می‌اندیشد و به انحصار طلبی و استثمار روی می‌آورد.

دستیابی به حس خداجویی: بر اساس آنچه که در توضیح مبانی قبلی مطرح گردید، ارزش‌های انسانی، رشد حقیقی، حس حقیقت‌جویی و توسعه (من) انسان، همه به گونه‌ای با حس خداگرایی گره خورده اند. بر اساس این نتیجه‌گیری شهید مطهری اعتقاد داشت که: «در اصول تربیتی، آن ریشه اصلی که باید آن را آبیاری کرد همان اعتقاد به خداست، و در پرتو اعتقاد به خدا، هم باید احساسات نوع دوستانه را تقویت کرد و هم حس زیبایی را پرورش داد، هم اعتقاد به عقل مستقل از بدن را.

اصول تربیتی در الگوی تربیت شهروندی: از منظر شهید مطهری، ساختار روحی انسان هنگام آفرینش، هویت اشاره‌ای هستی و انسان، بعثت انبیاء و نزول وحی، همصدا و همسو، تکامل و تربیت انسان را می‌طلبند و انسان در بعد روحی و ملکوتی خود، استعدادهایی نهفته و قابل رشد و پرورش دارد که عمده‌ترین آنها عبارتند از: استعداد عقلانی، حس پرستش و خداجویی و گرایش‌های اخلاقی و علاوه بر سه عنصر عقل، حس پرستش و گرایش‌های اخلاقی، عنصر اراده و تقویت آن از طریق ایمان، تقوا و تزکیه، دارای اهمیت است.

اصل تفکر و تربیت شهروندی: تعقل و تفکر که از عوامل اصلاح و تربیت نفس به حساب آمده، عبارت است از فکر منظم درباره مسائل کلی که در طی آن، انسان از مقدمه‌ای نتیجه‌ای می‌گیرد. جریان تفکر وقتی ممکن است که علم و آگاهی در کار باشد. به

محروم کردن و روا داشتن تبعیض در امر تعلیم و تربیت کاری غیر اصولی و طبعاً با طبیعت انسانی مخالف است.

شهید مطهری حکومتداری را، حکومتی موقت می‌داند، «یعنی هر چند سال یک بار باید تجدید شود؛ یعنی اگر مردم بخواهند می‌توانند حاکم را برای بار دوم، احیانا، یا سوم یا چهارم - تا آنجا که قانون اساسی شان اجازه می‌دهد - انتخاب کنند و در صورت عدم تمایل، شخص دیگری را، که از او بهتر می‌دانند، انتخاب کنند. و اما کلمه «اسلامی»، همان طور که گفتیم، محتوای این حکومت را بیان می‌کند؛ یعنی پیشنهاد می‌کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره شود، و در مدار اصول اسلامی حرکت کند ... مسأله‌ی جمهوری مربوط است به شکل حکومت که مستلزم نوعی دموکراسی است.

از منظر شهید مطهری مقوله ارزش‌شناسی بر همه جنبه‌های تعلیم و تربیت اثر دارد. ارزش‌های اخلاقی، روح نظام تربیتی در رئالیسم اسلامی را تشکیل می‌دهد و مانند خونی در تمام پیکره دستگاه تعلیم و تربیت جاری است. در دیدگاه شهید مطهری کمال انسان در گرو کسب فضایل اخلاقی و دوری از رذایل و تقویت گرایش‌های فطری است، لذا در تربیت نیز کمال انسان را قرب خداوندی می‌داند و به آموزش‌های اخلاقی بسیار اهمیت داده و تهذیب و تزکیه و پرورش اخلاقی را بر آموزش و فراگیری دانش مقدم می‌داند.

به اعتقاد شهید مطهری می‌توان همه‌ی ارزش‌ها را در یک ارزش خلاصه کرد و آن، درد داشتن و صاحب درد بودن است. درد انسان طبق مکتب اسلام فقط درد خداست، درد دوری از حق است و میل او میل بازگشت به قرب حق و جوار رب العالمین است. انسان عاشق کمال مطلق است و عاشق هیچ چیز دیگری نیست. یعنی عاشق ذات حق است. عاشق خداست. از منظر شهید مطهری یکی از ارزش‌های قاطع و مسلم انسان که اسلام آن را صد در صد تأیید می‌کند خدمت کردن به خلق خدا است. از نظر معیارهای اسلامی، انسان، کسی است که درد خدا را داشته باشد و چون درد خدا را دارد، درد انسان‌های دیگر را هم دارد. از نظر شهید مطهری: آزادی، یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است و به تعبیر دیگر جزء معنویات انسان است. آزادی برای انسان، ارزشی مافوق ارزش‌های مادی است. او معتقد است درد جامعه بشری امروز این است که آزادی اجتماعی را تامین نمی‌کند، ولی به دنبال آزادی معنوی نمی‌رود.

نتایج تحلیل و نقد دیدگاه شهید مطهری در خصوص تربیت شهروندی

با توجه به آنچه بیان شد باید گفت در رابطه با منشأ اصول عقلی شهید مطهری منشأ اصول عقلی را فطرت و ذهن انسان می‌داند نه حاصل تجربه صرف و بر همین اساس است که آن را معتبر می‌داند و معتقد است چون اصول عقلی از تجربه ناشی نشده‌اند باید منشأ دیگری برای آن‌ها پیدا کرد و همانا آن منشأ فطرت انسان است.

مبانی تعلیم و تربیت، دیدگاه‌های رئالیسم اسلامی، نسبت به انسان، حقیقت و ابعاد وجودی، هدف از آفرینش کمال‌نهایی و کیفیت حرکت او به سوی مقصد نهایی (قرب الهی) است. بنابراین بدیهی است که تربیت شهروند در اسلام دربردارنده همان ویژگی-ها و خصوصیات باشد. یعنی در اندیشه شهید مطهری که نشأت گرفته از تعالیم اسلام است. خداوند، خالق، مالک و مدیر و مدبر کل امور است. بنابراین، تمام امور در ید قدرت او قرار دارند. لذا، رعایت و عدم رعایت قوانین الهی پاداش و کیفری متناسب را در این جهان آخرت در پی خواهد داشت.

از نظر شهید مطهری به منظور اجتناب و رهایی از جزم‌اندیشی، جزم‌گرایی و خودرایی و احترام به اندیشه و عقاید دیگران و پذیرش انتقاد و نظر مخالف و نیز تسامح با دیگران باید مطابق با آیات قرآن کریم به عقل و خرد اهمیت داد و مهارت‌های

هستی است، لذا هدف نهایی انسان نیز شناخت خداوند و بندگی او به قصد قرب الهی است و تربیت در مکتب اسلام امری همیشگی و از گهواره تا گور ادامه دارد و از آنجایی که اینگونه تربیت از منبع وحی سرچشمه می‌گیرد، الهی، معنوی و دینی است و از طرف دیگر به دلیل اینکه عقل ابزار مهمی برای شناخت جهان است، تربیت اسلامی نیز دارای دو وجه الهی و عقلانی می‌باشد. براساس آنچه گذشت می‌توان گفت که به اعتقاد شهید مطهری، دین اسلام برای پرورش شهروند مطلوب دو هدف را مدنظر قرار داده است، یکی تقوای الهی و دیگری رعایت حقوق و تکلیف شهروندی است. شهید مطهری معتقد است که انسان دارای قدرت تعقل و تفکر است و قادر می‌باشد با کمک ابزار شناخت (حس و تجربه) محیط پیرامونش را بشناسد و همچنین انسان را دارای روح و جسم می‌داند. همچنین وی معتقد است انسان از بدو تولد دارای یک سری نیرو و استعداد خدادادی است که خداوند در نهاد او به ارمغان گذاشته است که همان فطرت اوست که برای شناخت جهان به کمک او می‌آید و اگر زمینه مناسب برای پرورش این استعدادها مهیا باشد به رشد و تعالی دست می‌یابد و چنانچه برای تربیت مناسب استعدادهای او زمینه مناسب فراهم نباشد به فساد و انحراف کشیده می‌شود.

در زمینه معرفت شناسی شهید به این موضوع معترف است که انسان در بدو تولد فاقد شناخت بوده و به کمک حواس خود جهان پیرامون را شناسایی می‌کند. شهید مطهری اعتقاد دارد که شناخت حسی به دلیل محدودیت مکانی و زمانی قابل اتکا نیست و انیان باید به کمک قوه عقل که محدودیت‌های شناخت حسی را ندارد، دریافت‌های حسی را به وسیله تعقل و قدرت عقل قالب زده و دوام بخشد. شهید مطهری علاوه بر شناخت حسی و عقلی شناخت قلبی را نیز مطرح نمود.

در زمینه مبانی ارزش شناسی تربیت شهروندی شهید معتقد بود که ارزش‌ها دارای ماهیت مطلق و ثابت هستند، بنابراین، هیچ نژاد و گروهی از انسان‌ها بر یکدیگر برتری ندارند و درک مشترک نیازهای جمعی و خواسته‌های اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد و اعتقاد دارد که در تربیت شهروندی مشکلات جامعه با مشارکت و همکاری رفع می‌گردد. همچنین در زمینه اندیشه سیاسی نیز شهید به حقوق شهروندی و حق انتخاب سرنوشت و انتخاب نوع حکومت از طرف شهروندان اعتقاد داشت و مخالف حکومت‌داری دیکتاتوری و مستبد بود.

در نهایت شهید مطهری ارزش‌ها را به همه جنبه‌های تعلیم و تربیت شهروندی تعمیم می‌دهد و کمال انسان را در کسب فضایل اخلاقی و دوری از ردایل می‌داند که نشأت گرفته از فطرت انسان است. لذا، تربیت شهروندی مدنظر شهید مطهری کمال انسان را قرب الهی دانسته و در این راه به تهذیب و تزکیه نفس اهمیت زیادی می‌دهد. همچنین وی معتقد بود که بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش انسانی آزادی است. شهید مطهری علاوه بر آزادی اجتماعی به آزادی معنوی نیز باور داشت.

اعتقاد شهید مطهری علم آموزی ریشه در فطرت و حس حقیقت جویی دارد. دانش و آگاهی‌های مربوط به حوزه‌های مختلف، وقتی زمینه ساز ابتکار و تعقل است که عقل و خرد آزاد و رها از قید و بندهای روحی و خصالتی، وجود داشته باشد و گرنه حرکت تکاملی وابسته به تعقل شکل نخواهد گرفت.

اصل فعالیت و کار: شهروند تلاشگر روان سالم دارد و کمتر بر بال خیال سوار می‌شود و کمتر به آرزوهای دور و دراز و نامعقول می‌پردازد. کار، موجب سرگرمی فکری است، یعنی فکر انسان متوجه اصلاح کار خویش است و این به نوبه خود دو نتیجه دارد؛ یکی اینکه دیگر مجال برای فعالیت قوه خیال و هوس‌های شیطانی باقی نمی‌ماند. دیگر اینکه فکر انسان عادت می‌کند که همواره منظم کار کند، از پریدن از یک شاخه به شاخه دیگر خلاص گردد.

اصل ایمان و تربیت شهروندی: از نگاه شهید مطهری «علم مکمل عقل و در واقع عقل اکتسابی می‌باشد، روشنایی است که محیط را روشن می‌کند، انسان می‌فهمد چه می‌کند، می‌فهمد که اگر بخواهد به فلان مقصد برسد، از اینجا باید برود.» علم میزان توانایی انسان را برای ساختن آینده بالا می‌برد، مشکل این است که انسان چه مطلوبی باید داشته باشد! (البته علم سعی دارد انسان را همان گونه که به جهان آگاهی می‌رساند، به خود آگاهی نیز برساند، علم النفس‌ها چنین وظیفه‌ای بر عهده دارند، اما خود آگاهی‌هایی که علم می‌دهد مرده و بی‌جان است، شوری در دلها نمی‌افکند و نیروهای خفته انسان را بیدار نمی‌کند.

محیط اجتماعی و تربیت شهروندی: از منظر شهید مطهری که در پی استنباط دیدگاه دین درباره نقش تربیتی محیط اجتماعی است، به صورت عینی مفهوم و گستره کاربرد آن را به مطالعه گرفته و برای اصلاح فرد، محیط سازی سالم را پیشنهاد می‌نماید: وی ضمن تأکید بر سازندگی محیط‌ها و معاشرت‌ها، عوامل سازنده محیط اجتماعی انسان را عبارت می‌داند از: (سایر افراد با صفات و حالاتی که دارند و اعمالی که از آنها سر می‌زند و قوانین و مقررات و عادات و آداب که بر آن اجتماع حکم فرمات.

اصل هماهنگی در رشد استعدادهای: اصل همه جانبه نگری در تربیت انسان، تنها راه جلوگیری از رشد ناموزون شخصیت است، غفلت از عناصر مختلف تربیت پذیر، در نهاد انسان، یقیناً رشد نامتعادل را در پی دارد، از این رو یونگ می‌گوید: «ابعاد مختلف شخصیت باید هماهنگ رشد نمایند، اگر بخش خاصی از شخصیت رشد بیشتر پیدا کند موجب تنش و تنیدگی شده و تولید ناهنجاری می‌کند».

نتیجه گیری

در دیدگاه شهید مطهری که بر پایه مکتب اسلام استوار است، انسان موجودی است که از جسم و روح تشکیل شده است و خداوند به او نعمت حواس پنجگانه را عطا فرموده است که چشم و گوش در راس این حواس پنجگانه قرار دارد. شهید مطهری عقل را به عنوان رهبر حواس انسان دانسته که انسان به وسیله هدایت و راهنمایی عقل می‌تواند نسبت به جهان پیرامون خود شناخت پیدا کند. از آنجایی که در مکتب اسلام خداوند خالق و رب تمام

References

1. Khatib Zamani. Training in Balajah School, Tehran, and Ayizh Publishing. (2011)
2. Pepper E. Study on students' creative thinking cultivated by open classroom teaching method. In 2003 International Conference on Education and Management Technology (pp. 376-379). (2003).
3. Fathi Vajargah, Kourosh. (Principles of Curriculum Planning. Tehran: Iran Zamin. (2002)
4. Ahad Choukdeh, Sakineh and Mohammad Kazemi. The Necessary Citizenship of Tabriz Urbanization: Scientific-Specialized Seminar on Cities and People (2004).
5. Giboers A.P. Becoming a Reflective Teacher. (2005).
6. Mehrpour Hossein New Perspectives on Legal Issues Third Edition Information Publishing, (2008).
7. Alam al-Huda. Evaluating the quality of the educational planning curriculum in the master's degree, Master's thesis in the field of educational planning, University of Tehran (2000).
8. Sajadi R. Dictionary of words, Cultural Foundation and Religious Thought, Qom. (1998).
9. Motahari M. Collection. Tehran: Sadra. (1998).
10. Su Richard, Sterol Aurum. Generalities of Philosophy, translated by Seyyed Jalaluddin Mojtaba, Hekmat Publications (2013).
11. Twarog. Philosophy in human language. Translated by Mehdi Shafaqati. Tehran: Avand Danesh. (2017).
12. Khorasani, Sh. From Bruno to Kant. Tehran: Scientific and Cultural Publications (2014).